

معرفی نسخه‌ای دیگر از نسخه‌های خاندان مرزبان

فاطمه جهان‌پور (کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی)

این خانه روشن می‌شود
چون یادِ نامت می‌کنم
(مولوی)
به یاد استاد ایرج افشار

چکیده: مقاله حاضر به معرفی دست‌نویسی از *وندیاد* ساده می‌پردازد که اخیراً در مشهد یافت شده است. بر اساس سرنگار کتاب، این نسخه را می‌توان از جمله نسخ رسته یزشنی دانست که شامل *یسنا*، *ویسپرد*، *وندیاد* به همراه ادعیه و نیرنگ‌هاست که برای برگزاری آیین کهن یزشنی و خوانش در آن مراسم به کار می‌رفته است. این دست‌نویس را دو نویسنده در فاصله زمانی پنج ماه نوشته‌اند. کاتب نخستین بخش شهمردان پسر بهرام پسر مرزبان پسر فریدون پسر بهرام پسر رستم پسر بُندار پسر شهمردان پسر دینیار است که نسخه را در تاریخ گوش‌روز از ماه آرمرداد سال ۱۰۲۵ یزدگردی از روی نُسخ پدرش، بهرام، و عمویش، فریدون، رونویسی کرده است. کاتب بخش دوم، فریدون پسر گوئدشا پسر رستم پسر فریدون پسر گوئدشا پسر رستم پسر بُندار پسر شهمردان پسر دینیار، از عموزادگان کاتب اول، می‌باشد که این دست‌نویس را در آذرروز از ماه آذر همان سال (۱۰۲۵ یزدگردی) به انجام رسانیده است. این نسخه فرجامه سیومی نیز دارد که، در آن، فردی به نام جاماسپ پسر حکیم پسر اردشیر ادعا می‌کند که این نسخه را از دست‌نویس فریدون پسر گوئدشا رونویسی کرده است. با بررسی دست‌نویس‌هایی که تاکنون از

خانندان مرزبان یافت شده شاید بتوان ردی از نسخه اصلی و مادر را که، از آن، برای رونویسی سایر نسخ *وندیداد* استفاده می‌شده پیدا کرد.

کلیدواژه‌ها: وندیداد ساده، شه‌مردان بهرام، فریدون گویدشا، جاماسپ حکیم، بهرام مرزبان، فریدون مرزبان، اوستای رسته یزشنی، نسخ خطی *اوستا*، آیین یزشن

در مجموعه کتابخانه شخصی خانواده حسینی، در مشهد، نسخه‌ای خطی از کتاب دینی زرتشتیان موسوم به *وندیداد* ساده وجود دارد که بسیار زیبا، پاکیزه، کامل و دارای خطی خوش است. این نسخه، که به تاریخ ۱۰۲۵ یزدگردی نگاشته شده، شامل تقریباً تمامی *یسنا*، بخش‌هایی از *ویسپرد* و تمام *وندیداد* به اضافه ادعیه و نیرنگ‌هاست و به نظر می‌رسد در راسته همان نسخه‌هایی است که به *نسخ وندیداد* ساده شه‌ره‌اند و برای مراسم آیینی یزشن مورد استفاده قرار می‌گیرند.

ویژگی‌های ظاهری نسخه

نسخه *وندیداد* حسینی، در قطع رحلی بزرگ با ابعاد ۲۵×۳۸ دارای جلد تیماج مشکی‌رنگ است که هیچ‌گونه تزئینی ندارد و قدری فرسوده است (نک: تصویر ۱). در دو قسمت بالا و پایین جلد و در جوف جلد رویی این نسخه، زائده‌ای گره‌مانند از چرم به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز وجود دارد و در مقابل آن در جوف جلد پشتی نیز قلابی از چرم، به همان رنگ، تعبیه شده که، به واسطه این گره و قلاب، دو طرف جلد به هم متصل می‌شوند. البته زائده گره‌مانند پایین جلد از بین رفته — هرچند رد آن دیده می‌شود؛ اما قلاب چرمی مقابل آن باقی مانده است.

این نسخه دارای ۲۷۶ برگ از جنس کاغذ نخودی‌رنگ آهارمهره است که برخی از اوراق آن، با گذر ایام، فرسوده و گاه پاره شده و با کاغذی به رنگ دیگر مرمت شده است. در برخی از صفحه‌ها لکه‌های ناشی از رطوبت و یا چربی نیز دیده می‌شود. اوراق این کتاب شماره‌گذاری دارد که با حروف فارسی و در قسمت چپ بالای صفحه سمت چپ آمده است که اغلب با مرکب سیاه و، در چند مورد، با مرکب قرمز نوشته شده است (به‌طور مثال، برگ‌های ۵، ۲۹، ۴۰ و تعدادی دیگر). به نظر نمی‌رسد کاربرد این دو



تصویر ۱. جلد چرمی نسخه وندیداد حسینی

رنگ تابع قاعده و ترتیبی باشد و شاید نوعی اعمال سلیقه توسط کاتب بوده است. شیوه راده‌گذاری^۱ (رکابه) به تمامی در این نسخه رعایت نشده است. مثلاً در اوراق ۱۴۹ تا ۱۶۷ راده‌گذاری اعمال و سپس فراموش شده و دوباره در برگ‌های ۱۷۰ تا ۱۷۶ آمده است. اغلب صفحات ۲۱ سطر و برخی از آنها ۲۲ سطر دارند. حاشیه‌های هر صفحه کتاب با دقت در نظر گرفته شده است. حاشیه از بالا و پایین حدود ۵ سانتی‌متر و از کناره راست ۳ و از کناره چپ حدود ۴/۵ سانتی‌متر است.

متن اصلی کتاب به زبان و خط اوستایی یا همان دین‌دبیره است که با مُرکَب سیاه نوشته شده است. واژه‌ها با نقطه سیاهی از هم جدا شده و فاصله میان بندها و فقرات گاه با آوردن تنها یک یا سه نقطه سیاه و گاه با کاربرد نقاط قرمز و سیاه به شکل دایره و یا گلی ساده تزئین شده است. نسخه آرایه، تزئین و یا جدول‌کشی ندارد، و تنها، در

(۱) راده‌گذاری یعنی آوردن واژه آغازین سطر نخست صفحه چپ در زیر آخرین سطر صفحه راست، در گوشه سمت چپ.

یک دو جای کتاب، نقاشی ساده و ابتدایی از پرندۀ با رنگ قرمز و سیاه آمده است (برگ ۱۶۵، در شروع یسن ۴۵؛ برگ ۲۰۷، در شروع فرگرد ۱۷).

به سنت مألوف این گونه نسخ، از خط پهلوی برای نگارش سرنگار کتاب، نیرنگ‌ها، دستورات و آداب یزشنی با مُرکَب به رنگ شنگرف (قرمز) استفاده شده است. در سرنگار کتاب، پس از نام دادار اورمزد و امشاسپندان و مینوان و گیتیان، محتوای کتاب نام برده شده و سپس آداب یزشنی با جزئیات تمام آمده است (برگ ۳). عنوان یسن‌ها و یشت‌ها، نحوه برگزاری آیین‌های دینی، وظایف زوت و راسپی در هنگام اجرای مراسم مذهبی، تعداد دفعات تلاوت نیرنگ‌ها و نیز نگارش یادگاری‌ها یا فرجامه‌ها به خط پهلوی است.

نگارش پرنوشت‌ها یا همان حاشیه‌نویسی اغلب به خط فارسی است، که این یادداشت‌ها و حواشی اطلاعات بسیار ارزنده‌ای درباره نام افراد در گذشته و تاریخ مرگ آنها به دست می‌دهد. همچنین در این حواشی می‌توان یادداشت‌های متفرقه، ادعیه و اشعاری را دید و خواند که نه تنها می‌تواند از نظر موضوع جذاب باشد، بلکه روند تحوّل زبان فارسی در میان جامعه بهدینی را نشان می‌دهد. برخی از آنها به نظر متأخر هستند، زیرا با ابزاری نظیر خودکار یا مداد نوشته شده‌اند.

این کتاب را، مطابق سنت و عُرف، *وندیداد* ساده می‌نامند. *وندیداد* ساده اصطلاحی است از متنی دینی که تنها به زبان و خط اوستایی است — در برابر متون اوستایی دیگری که ترجمه و تفسیری به زبان و خط پهلوی دارند. *وندیداد* ساده، افزون بر *وندیداد*، در بردارنده همه یسنا، ویسپرد و بخش‌هایی از *خرده‌اوستاست* (مزداپور ۱۳۸۷ الف: ۸). کاتبان نسخه‌های *وندیداد* ساده غالباً، در سرنگار کتاب و یادگاری‌های آن، به این محتوا اشاره می‌کنند. در نسخه مورد نظر ما نیز این نکته لحاظ شده و در شروع کتاب و نیز در دو یادگاری‌نویشت موجود در آن قید شده است: «اوستای یشت و ویسپرد و جددیواد با نیرنگ، رسته یزشنی» (برگ ۳، صفحه چپ، س ۴ و ۵؛ یادگاری‌نویشت اول، برگ ۱۴۲، صفحه چپ، س ۱۸ و ۱۹؛ یادگاری‌نویشت دوم، برگ ۲۶۷، صفحه راست، س ۶ و ۷). بنابراین می‌توان این کتاب را در رسته یزشنی قرار داد؛ همان‌گونه که نسخه *وندیداد* دانشگاه تهران به تاریخ ۹۷۶ یزدگردی (مزداپور، زیرچاپ)، نسخه *وندیداد* آستان قدس به تاریخ ۹۹۲ یزدگردی (جهان‌پور ۱۳۸۹)، نسخه *وندیداد* روانیان به تاریخ ۱۰۰۱ یزدگردی (مزداپور

۱۳۸۸: ۲۴۵) و نسخه *وندیداد* ملک به تاریخ ۱۱۰۲ یزدگردی (مزداپور و دالوند ۱۳۹۰: ۴۳-۴۴) در این رسته قرار می‌گیرند. این نوع از نسخه که برای خواندن در مراسم آیینی یزشن به کار می‌رود شامل تمامی *یسنا*، *ویسپرد*، متن کامل ۲۲ *فرگرد وندیداد* و بخش‌هایی از *خرده‌وستا* به همراه ادعیه و دستورات دینی و آیین‌های یزشنی و نیرنگ‌هاست که، به ترتیب خاصی، توسط موبدان حاضر در مراسم تلاوت می‌شود (موبد نامدار و موبد رستم ۱۸۹۳: ۲۹-۳۱). این نوع از یزشن عمدتاً با آیین مرگ همراه است، زیرا خوانش *وندیداد* بر بالای سر انسان در حال مرگ، رسمی است که تاکنون نیز ادامه داشته است و به آن مراسم یزشن شبانه می‌گویند (مزداپور ۱۳۸۷ الف: ۹؛ مزداپور و دالوند ۱۳۹۰: ۴۴).

باید توجه داشت منظور از واژه اوستایی یشت، که در عنوان این رسته از کتب مذهبی می‌آید، بخش یشت‌های اوستا نیست، بلکه نظر به بخش *یسنا*ی اوستاست. امروزه، *یسنا* به معنی ستایش و پرستش به‌طور عام است و همه موارد عبادت نظیر نذر، قربانی و ادعیه را هم در بر می‌گیرد؛ اما یشت به معنای ستایش ایزد و یا امشاسپندی خاص است مانند *آبان‌یشت*، *تیشتریش* (پورداد ۱۳۸۰: ۱/۲۳)؛ در حالی که، در گذشته، تفاوتی میان دو واژه یشت و یسن نبوده و از یشت همان ستایش عام منظور می‌شده است. به عبارت دیگر، به آن بخش از اوستا که امروزه مشخصاً *یسنا* خوانده می‌شود یشت نیز می‌گفته‌اند (مزداپور ۱۳۸۹: یازده). بنابراین اوستای یشت همان ۷۲ هات *یسنا*، به اضافه تمام و یا بخش‌هایی از *ویسپرد* و تمام ۲۲ *فرگرد وندیداد* را دربرمی‌گیرد.

مراسم یزشن‌خوانی در واقع برگزاری آیین خوانش *یسنا* به‌تنهایی یا به همراه *ویسپرد* یا به‌اضافه ۲۲ *فرگرد وندیداد* است (پورداد ۱۳۸۰: ۱/۲۶-۲۷)، که توسط دو موبد به نام‌های زوت و راسپی برگزار می‌شود و آن دو، طی مراسم پیچیده و مفصلی هم‌زمان با سرودن کلام دینی و مینوی، آداب آب‌زور و برس و درون (نان مقدس) و هوم را به جای می‌آورند. نحوه اجرای این مراسم مفصل و طولانی در ضمن نگارش متن *وندیداد* حسینی، به خط و زبان پهلوی و با مُرگب قرمز آمده است.

درباره نام کاتب و تاریخ کتابت این نسخه، خوشبختانه کتاب یادگارنوشت‌های ارزنده‌ای در اختیار می‌گذارد که می‌توان، از آنها، اطلاعات بسیاری به‌دست آورد. می‌دانیم که این رسته از نسخه‌های دینی اغلب دو یادگارنوشت یکی در نیمه کتاب و

دیگری در پایان آن دارند؛ اما، با کمال تعجب و خوشوقتی، این نسخه یادگارنوشته سومی نیز در آخرین برگ خود دارد که نه تنها می‌تواند آگاهی ما را، درباره آن، دوچندان افزون کند، بلکه برخی از تردیدها را از میان می‌برد.

با علم به اینکه، در این نوع از نسخ، جای نخستین یادگارنوشته معمولاً پس از یسن ۴۲ (پایان هفت‌ها) و پیش از شروع فرگرد ۹ *وندیداد* است، یعنی در جایی که نیمی از *گاهان* و بخشی از *وندیداد* نوشته شده و یسن هفت‌ها (هپتنگهائیتی)، که بخش مهم و قدیمی اوستا است، به طور کامل سروده شده است؛ براین اساس، اولین یادگارنوشته نسخه *وندیداد* حسینی درست در همین جای کتاب و در نیمه نسخه در برگ‌های ۱۴۲ و ۱۴۳ آمده است. بر مبنای آن، کاتب این بخش از کتاب *شهمردان پسر بهرام پسر مرزبان پسر فریدون پسر بهرام پسر رستم پسر بُندار پسر شهمردان پسر دینیار* بوده است. وی از خاندان مرزبان است که، بر اساس منابع دینی زرتشتی، از جمله خاندان‌های معروف و معتبر موبدان و دستوران سرزمین کرمان در زمان صفویه شمرده می‌شدند. گویا هفتاد نسل از این خانواده همه دستور و موبد بوده‌اند (اونوالا ۱۹۲۲: ۲/۲۰۳). این خانواده نه تنها به حفظ و اشاعه دین و نگاهبانی از سنت‌های مذهبی و اجرای مناسک و آیین‌ها می‌پرداختند، بلکه با استنساخ و رونویسی از نسخ دینی، گامی مهم در حفظ و نگهداری آنها برداشتند. مرزبان فریدون، پدر بزرگ *شهمردان* خود کاتب توانایی بود که نسخه DH را، که شامل بخش‌هایی از *بندشس*، *زند بهمن یسن* و *دینکرد* است، در سال ۹۴۶ یزدگردی، در شهر کرمان، کتابت کرد (برومند امین ۱۳۸۶: ۳۵۶). همچنین دو اثر منظوم به نام‌های *داستان عدالت انوشیروان* و *مینوی خرد*، به تاریخ ۹۸۰ یزدگردی، از وی باقی مانده است (آموزگار ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۰۸).

انوشیروان و فریدون، پسران مرزبان و عموهای کاتب نسخه *وندیداد* مورد بحث، هردو از جمله موبدان بزرگی بودند که وظیفه اجرای مراسم *برش‌نوم* (barešnum) و طهارت دینی مربوط به مؤمنان بهدین را بر عهده داشتند (شهمردان ۱۳۶۳: ۶۷۲-۶۷۳). به چنین کسانی یوژداسرگر (yōzdāsrgr) می‌گویند. اینان، که طبقه‌ای از روحانیان زرتشتی هستند، باید راست‌گفتار و پُرسنده‌دین باشند، یشت کنند و قواعد و شیوه برگزاری مراسم تطهیر و نیرنگ و نیایش‌های آن را به‌خوبی بدانند (مزداپور ۱۳۶۹: ۱۶۰).

این دو برادر در کار مهم نگارش و بازنویسی روایات و نُسَخ دینی نیز هم‌متی والا داشتند. انوشیروان، برادر ارشد، که همچون برادرانش استعداد و ذوق شاعری داشت، روایات دینی زیادی همچون *داستان جمشید و جهان‌شاه در هرات* (اونوالا ۱۹۲۲: ۲/ ۲۰۸-۲۱۰)، *اردویراف‌نامه* (همان: ۳۳۱-۳۴۲)، *معجزات زرتشت* (همان: ۲۱۳-۲۱۴)، *داستان تهمورث و اهریمن* (آموزگار ۱۳۸۶: ۱۱۱-۱۱۲)، *مزدک و انوشیروان عادل* (اونوالا ۱۹۲۲: ۲/ ۱۱۰) را در قالب شعر سرود و آنان را جاودانه ساخت (آموزگار ۱۳۸۶: ۱۰۸-۱۱۳؛ رضازاده ملک ۱۳۸۵: ۸۸-۸۹). فریدون، پسر میانی مرزبان، هم نُسَخ متعددی همچون *نسخه وندیداد* دانشگاه تهران به شماره ۱۱۲۶۳ (۹۷۶ یزدگردی) و *نسخه بندهش* TD2 (۹۷۵ یزدگردی) را بازنویسی کرد (ماهیار نوایی و دیگران ۱۳۵۷: ۲۴۰، س ۱۱). از وی تعداد زیادی نامه که، در آن، به سؤالات بهدینان هند پاسخ گفته و نیز اشعاری که، در آن، به شرح مسائل مختلف پرداخته باقی مانده است (اونوالا ۱۹۲۲: ۲/ ۱۵۷). او مانند موبدان دیگر، برای اجرای مراسم دینی و راهنمایی بهدینانی که در نقاط دور و نزدیک زندگی می‌کردند، مسافرت می‌کرد (همان: ۱۵۱). بر اساس یادگارنوشت *وندیداد* دانشگاه تهران، در یکی از این سفرها که از کرمان به یزد می‌رفت و در روستای شریف‌آباد و خانه رستم بُندار ساکن شده بود، این نسخه را به سفارش یکی از خانواده‌های مؤمن بهدین نگاشت (مزدپور، زیر چاپ). بهرام، پدر شهمردان و کوچک‌ترین برادر، نیز در نگارش و استنساخ کتب دینی جهدی تمام داشت و نُسَخ متعددی نظیر *نسخه یسنای وزیری* (۹۷۶ یزدگردی)، *وندیداد* (۹۷۷ یزدگردی)، *وندیداد* پرورشگاه مارکار (۹۹۱ یزدگردی) و *نسخه وندیداد* آستان قدس (۹۹۲ یزدگردی) به قلم و نام وی تاکنون پیدا و معرفی شده است. او، که خوشنویس و شاعر بود، این نُسَخ را به زیبایی و پاکیزگی نگاشته است (جهان‌پور ۱۳۸۷: ۳۹۱).

وی دو پسر داشت که پسر بزرگش شهمردان و پسر کوچکش مرزبان نام داشتند (اونوالا ۱۹۲۲: ۲/ ۱۵۳). از آنجاکه در اشعار فریدون مرزبان، که در آنها به معرفی خاندان‌های موبدان کرمانی پرداخته، نام این دو پسر بهرام نیز آمده است، می‌توان ادعا کرد که شهمردان، کاتب نسخه مورد نظر ما، و برادرش، هردو از موبدان و دستوران زمان خود بوده‌اند و شهمردان به وظیفه خطیر خود برای حفظ و بازنویسی نُسَخ دینی

سخت پایبند بوده است. او در یادگارنوشتِ نخستِ کتاب ذکر می‌کند که، برای بازنویسی این نسخه، از نسخه‌های *وندیداد* پدرش، بهرام، و عمویش، فریدون استفاده کرده است. بنا به گفته کاتب، از شروع کتاب تا فرگرد ششم را از دفتر بهرام، و از فرگرد ششم تا سر یسن را از پچین^۱ فریدون رونویسی کرده است (برگ ۱۴۳، صفحه راست، س ۱-۳). اگر نسخه‌های مورد نظر شه‌مردان همان دو نسخه *وندیداد* آستان قدس متعلق به بهرام مرزبان و نسخه دانشگاه تهران از آن فریدون مرزبان باشد که تاکنون شناخته و معرفی شده‌اند، بدین ترتیب، شاید بتوان گفت پازل نسخه‌های نگاشته‌شده توسط اعضای خاندان مرزبان به تدریج در حال کامل شدن است.

شه‌مردان، همچون پدر و عموهایش، خوشنویسی توانا و کاتبی باذوق و سلیقه بوده و این نسخه را در نهایت ظرافت و پاکیزگی نگاشته است. رعایت نظم در سطور و حفظ حواشی در شکیل شدن هر صفحه نقش زیادی دارد. نویسنده گاه ناچار شده، برای حفظ این نظم، واژه‌ای را در پایان سطر ناقص بگذارد و ادامه آن را در سطر بعد بیاورد. جافتادگی کلمات در مقایسه با دیگر نسخ بسیار کم رخ داده است. شیوه نگارشی شه‌مردان، چه در نگارش خط اوستایی و چه خط پهلوی، شباهت زیادی به خط پدرش بهرام دارد. واژه‌ها را بسیار منظم، صاف و مستحکم نوشته و، در هنگام کتابت، از تمام سطح قلم استفاده کرده که سبب نگارش خطی جلی و محکم شده است. برای زیاتر شدن خط، از شیوه سوارنویسی برخی حروف همچون ر و و استفاده کرده و در نگارش حروف *پ*، *پ* و *ق* قدری اغراق کرده است. استفاده از مرکب قرمز رنگ برای نگارش دستورات دینی و نیرنگ‌ها، تعداد دفعات خوانش برخی از آیات، عنوان یسن‌ها و فرگردها، تاریخ کتابت و نیز شیوه مشخص کردن نامش، در هنگام معرفی خود، بر زیبایی کار افزوده است.

تاریخ کتابت نسخه *وندیداد* حسینی بر اساس یادگارنوشت نخست، گوش‌روز از ماه آرم‌داد (۱۴ آرم‌داد) سال ۱۰۲۵ یزدگردی است (برگ ۱۴۳، صفحه راست، س ۱۲-۱۴). برخلاف برخی نسخ دینی که کاتب، علاوه بر ذکر تاریخ یزدگردی، تاریخ هجری قمری را هم

(۱) رونویس، نسخه (مکنزی ۱۳۷۳: ۱۱۶)

می‌آورد و کمک بسیاری در روشن شدن تاریخ دقیق نگارش می‌کند، نسخه مورد نظر ما تنها به تاریخ یزدگردی بسنده کرده که به خط پهلوی است بی‌آنکه ذکری از تاریخ هجری کند. تقویم یزدگردی از جمله سال‌شمارهای معتبر و رایج ایرانی در گذشته بود. در اواخر حکومت ساسانی و اوایل دوره اسلامی، دو گونه سال‌شماری ایرانی رواج داشت که یکی بر مبنای تاریخ جلوس یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی، بود که مطابق است با روز سه‌شنبه ۲۲ ربیع‌الاول سال ۱۱ هجری قمری، برابر با ۱۶ ژوئن سال ۶۳۲ میلادی (تقی‌زاده ۱۳۸۱: ۱۳۷؛ نبی ۱۳۶۶: ۱۲۵). این سال‌شمار را تقویم یزدگردی می‌نامند. اما با گذشت بیست‌سال از پادشاهی یزدگرد سوم، حکومت ساسانی، در نتیجه حمله عرب به ایران و تصرف پایتخت، سقوط کرد. به دنبال فرار یزدگرد به خراسان و کشته شدنش در آن ناحیه، تقویم دیگری با مبدأ مرگ وی پدید آمد که برابر است با اولین روز از نخستین نوروز پس از مرگ یزدگرد، یعنی اول فروردین سال ۲۱ یزدگردی که برابر است با ۲۷ شوال سال ۳۱ هجری قمری و ۱۱ ژوئن سال ۶۵۲ میلادی (تقی‌زاده ۱۳۸۱: ۱۳۹؛ عبداللهی ۱۳۶۶: ۲۷۱). به این تقویم تاریخ مجوسی، فارسیه، پارسیگ، گاه‌شماری طبری، تقویم زرتشتی و تقویم مغانی نام داده‌اند (بیرونی، آثارالباقیه: ۲۹۰-۲۹۱؛ همو، التفهیم لآوائل صناعة التنجیم: ۲۳۸؛ قمی، تاریخ قم: ۲۴۲؛ تقی‌زاده ۱۳۸۱: ۱۳۸؛ عبداللهی ۱۳۶۶: ۲۷۲-۲۷۳؛ جهان‌پور ۱۳۸۹: VI). ساختار تقویمی این دو سال‌شمار کاملاً شبیه به هم هستند و تنها اختلافشان در مبدأ تاریخ و آن بیست‌سالی است که تاریخ مجوسی از تاریخ یزدگردی کوتاه‌تر است. کاتبان نسخ دینی، برای ضبط تاریخ نگارش، از هر دو تقویم مورد بحث استفاده می‌کردند و، برای تمیز و تشخیص آن‌دو از هم، غالباً بلافاصله پس از ضبط تاریخ مجوسی، اصطلاح پس از بیست یزدگرد را به کار می‌بردند تا روشن شود که این تاریخ بر مبنای مرگ یزدگرد است و نه جلوس وی و با آن بیست سال تفاوت زمانی دارد. اما به تدریج، در گذر ایام، کاربرد تقویم مجوسی به فراموشی سپرده شد و سال‌شمار یزدگردی به حیات خود ادامه داد. اما در سنت نگارشی کاتبان، اصطلاح پس از بیست یزدگرد همچنان به کار می‌رفت؛ یعنی، با وجود آنکه کاتب تاریخ یزدگردی را که مبدأ آن جلوس یزدگرد است می‌نوشت، آوردن آن اصطلاح را به صورت یک سنت ادامه داد. به این ترتیب، زمینه بروز اشکال و

اشتباه در محاسبات تاریخی فراهم شد (مزداپور ۱۳۸۷: ۵۲۷-۵۲۸؛ مزداپور، زیر چاپ). در نگارش تاریخ *وندیداد* حسینی که مورد نظر ماست، کاتب همین شیوه را ادامه داده و، پس از نگارش عدد ۱۰۲۵، اصطلاح مورد بحث را چنین آورده است: «پس از بیست‌بغ یزدگرد» (برگ ۱۴۳، پشت برگ، س ۱۳). اما مقصود وی ۱۰۲۵ یزدگردی با تکیه بر جلوس آخرین شاه ساسانی است و نه مرگ وی؛ یعنی تاریخ نگارش نیمه اول کتاب *وندیداد* ۱۰۲۵ سال پس از جلوس یزدگرد است. از آنجا که تفاوت زمانی تاریخ یزدگردی و هجری قمری در این زمان چیزی حدود ۴۰ سال است، به نظر می‌رسد که این نسخه در دوران حکومت شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) یعنی در حدود سال ۱۰۶۵ ق نوشته شده است.

شهمردان در این یادگارنوشت از همه کسانی که این کتاب را می‌خوانند، یا از روی آن استنساخ می‌کنند و یا بدان یزشن می‌برند خواسته است تا از وی به نیکی یاد کنند و تقاضا کرده است که مبدا نامش را از روی نسخه پاک کنند که، در آن صورت، از ایشان، در انجمن ایستدواستر زرتشتان به نزد دادار دادور اورمزد، همیمال و شاکی خواهد بود (برگ ۱۴۳، پشت برگ، س ۴-۱۱). این انجمن، مسمًا به نام بزرگ‌ترین پسر زرتشت یعنی ایستدواستر است که در بند ۲ از یسنای ۲۳ و بند ۹۸ از یشت ۱۳ به روانش درود فرستاده شده است (پورداد ۱۳۸۰: ۱/ ۲۲۰؛ مولایی ۱۳۸۲: ۱۰۵). او کسی است که در رستاخیز به داوری اعمال مردمان می‌نشیند (قلی‌زاده ۱۳۸۷: ۱۱۳). این انجمن همچون صحرای محشر است که در آن همه جهانیان گرد هم می‌آیند و هرکس نتیجه نیک‌گنشی و بدگنشی خود را می‌بیند و پرهیزگار از گناهکار جدا می‌شود (بهار ۱۳۸۰: ۱۴۶؛ میرفخرایی ۱۳۹۰: ۳۲۵؛ مزداپور ۱۳۷۸: ۴۰۴). در پایان این فرجامه، کاتب امید و وعده ظهور دستور مینوی پشوتن چهرومیان، از نجات‌بخشان این دین، را می‌دهد که، با آمدنش، دین رواج خواهد یافت و به دین‌برداران از دین، نیکی‌های بسیاری خواهد رسید. پشوتن چهرومیان فرزند گشتاسپ و از جمله بی‌مرگان و انوشگانی است که در کنگدژ ساکن است. چون هزاره به پایان رسد، دادار اورمزد از ایزد نریوسنگ و امشاسپند سروش می‌خواهد که به کنگدژ رفته و پشوتن را، که آراینده دین راست و فره کیان است، بگویند که ظهور کند و همه دیوان و ذروتدان و بدگروشان را نابود کند

و آتش بهرام را برپا دارد و دین را دُرُست فرماید. قیام او آخرین قیام نیک‌خواهانه‌ای است که اندکی پیش از هزارهٔ اوشیدر رُخ می‌دهد و هدفش بازسازی دین و برپایی آیین‌های مذهبی است (بهار ۱۳۸۰: ۱۴۲؛ راشد محصل ۱۳۸۵ الف: ۱۴-۱۵؛ مزدپور ۱۳۷۸: ۳۸۸؛ میرفخرایی ۱۳۹۰: ۳۲۸). این عبارات در واقع آرزوهای قلبی همهٔ دینداران زرتشتی بوده و هست که، برای ظهور موعود نهایی، باید نجات‌بخشانی قیام کنند و جهان را از آلودگی‌ها و گناهان بیالایند. هرچند چنین امیدها و آرزوهایی گاه به یاسی بزرگ می‌انجامید، اما نگارش این‌گونه عبارات جزئی از سنت‌های رایج در نگارش فرجامه‌ها شد به طوری که در فرجامهٔ *وندیداد* آستان قدس (برگ ۱۸۵، روی برگ، س ۱۸ و ۱۹) و متون دینی مانند *روایات داراب* هرمزیدار به آن اشاره کرده‌اند (اونوالا ۱۹۲۲: ۲/ ۱۵۴؛ همان: ۳۷۹). این فرجامه، کاملاً از الگوی فرجامه‌های *نُسخ* دیگر *وندیداد* پیروی کرده است. آوردن عبارات اوستایی و ترجمان آنها به پهلوی در ادامهٔ همین سنت‌هاست.

برخی از شیوه‌های نگارشی در این متن قابل توجه است؛ مثلاً نام‌هایی نظیر *رُستم* یا *وهرام* به صورت «*رُستم*» و «*وهرُم*» آمده است، که شاید نشانی از نوع تلفظ و لهجهٔ کاتب باشد (برگ ۱۴۲، روی برگ، س ۲۰). استفاده از واژهٔ «کاتب» به جای واژه‌هایی نظیر «*پچین*» یا «*گُراسه*»، نشانی از کاربرد لغات عربی رایج در زبان گفتاری و نوشتاری فارسی آن روزگار در زبان نوشتاری پهلوی در آن زمان بوده است (برگ ۱۴۳، پشت برگ، س ۵). نویسنده واژهٔ «نوشتار» را به معنای «نویسنده» و «کاتب» به کار برده است (برگ ۱۴۳، پشت برگ، س ۸). پس از فرجامهٔ نخست که بر برگ‌های ۱۴۲ و ۱۴۳ نوشته شده است (نک: تصویر ۲)، ظاهراً برگِ بعدی (برگ ۱۴۴) مفقود شده یا نویسنده به اشتباه آن را شماره‌گذاری کرده است، زیرا شمارهٔ برگِ بعدی که شروع فرگرد نهم است ۱۴۵ است.

دومین یادگارنوشت در پایان نسخه، پس از اتمام یسن ۷۲ و عبارت مشهور «شکست و زد باد اهریمن [واژهٔ اهریمن به صورت وارونه نوشته شده] گجسته دُرُوند اواهما دیوان و درجان و جادویان» و نیرنگِ آب و پادیاب یستن (برگ‌های ۲۶۵ تا ۲۶۷)، در آخرین برگِ شماره‌گذاری شدهٔ کتاب به شمارهٔ ۲۶۷، به خط و زبان پهلوی آمده است (نک: تصویر ۳). این یادگارنوشت نیز به شیوهٔ معمول همهٔ فرجامه‌ها، پس از درود و شادی و رامش، نخست، عنوان کتاب را که همان «اوستای یشت و ویسپرد و



تصویر ۲. برگگی از نسخه که نخستین فرجامه در آن آمده است

جددیوداد با نیرنگ، رسته یزشنی» باشد ذکر می‌کند (برگ ۲۶۷، پشت برگ، س ۶ و ۷) و سپس نام کاتب را می‌آورد. نویسنده بخش دوم کتاب خود را گوئدشا پسر رستم پسر فریدون پسر گوئدشا پسر رستم پسر بُندار معرفی کرده است (برگ ۲۶۷، پشت برگ، س ۷ و ۸). لازم به ذکر است، درست در قسمت معرفی نام کاتب در سطر هفتم پس از واژه «دین»، متأسفانه به دلیل آسیب دیدگی برگه در گذر زمان و مرمت آن با کاغذی دیگر، پایان سطر بر ما ناپیدا است و سپس، در سطر بعد، کلمه «گوئدشا» آمده است. از آنجا که، رسم معمول در معرفی کاتب آن است که پس از کلمه من نخست صفت «دین‌بنده» و سپس نام خود را بیاورد، پس چنین به نظر می‌آید که باید واژه بعد از «دین» را «بنده» تلقی کنیم. اما آیا، بعد از کلمه «دین‌بنده» و در پایان این سطر، هنوز واژه دیگری بوده که پیش از نام «گوئدشا» در سطر هشتم بیاید که توسط مرمتگر از نظرها پنهان داشته شده است؟ در اینجا می‌توان دو گمان را مطرح کرد. نخست آنکه، اگر فرض کنیم که بعد از لغت «دین‌بنده» واژه دیگری نبوده است، می‌توان کاتب را، گوئدشا پسر رستم پسر فریدون

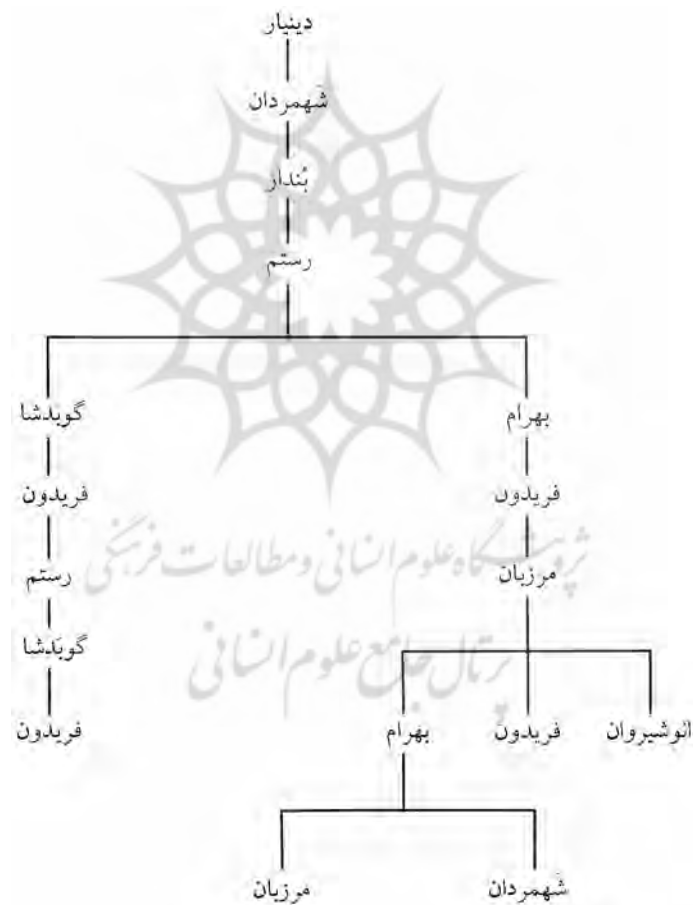


تصویر ۳. برگی از نسخه که دومین فرجامه در آن آمده است

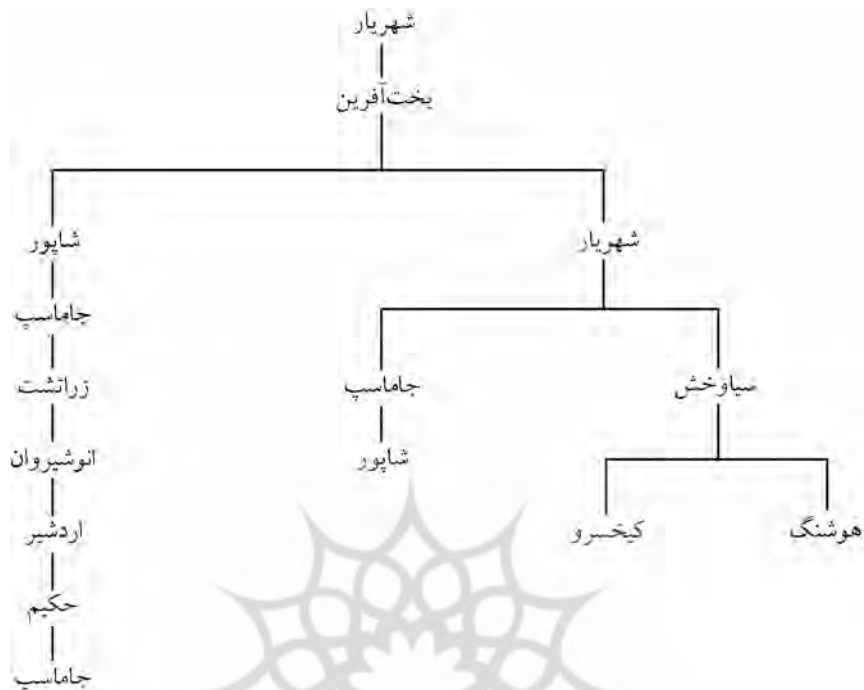
پسر گویدشا پسر رستم پسر بُندار شناخت. باید افزود مرمت این صفحه مشکلات دیگری را نیز در شناسایی نام نیاکان کاتب به همراه داشته است، زیرا این نقیصه، در ادامه معرفی نام نیاکان کاتب، پس از «بُندار» در سطر هشتم ادامه یافته و واژه‌های «شهمردان» و «دینیار» نیز در نتیجه مرمت شدن این برگ از بین رفته است. آگاهی ما از این نام‌ها با تکیه بر نسخه‌های دیگری همچون نسخهٔ *وندیباد* دستور روانیان است (مزداپور ۱۳۸۸: ۲۴۶).

دربارهٔ گویدشا و خاندانش، با تکیه بر نُسخی که از آنها باقی مانده، می‌توان گفت، با توجه به نیاکان مشترکی که خاندان گویدشا (کاتب قسمت دوم نسخه) و خاندان شهمردان (کاتب قسمت اول نسخه) دارند، این دو نفر در واقع عموزادگان هم هستند و دینیار جدّ بزرگ آن دو است. ظاهراً رستم نَبیرهٔ دینیار، دو پسر به نام‌های بهرام و گویدشا داشته است که بهرام نیای چهارم شهمردان (کاتب بخش نخست نسخه) و گویدشا جدّ سوم گویدشای مورد نظر ما (کاتب بخش دوم نسخه) است. این جدّ سوم، خود، کاتبِ نُسخی

همچون وزیدگی‌های زادسپرم و نسخه TD1 مربوط به حدود سال ۹۰۰ یزدگری است (تفضلی: ۱۳۷۶: ۱۴۹؛ راشد محصل ۱۳۸۵ ب: ۹۱؛ برومند امین ۱۳۸۶: ۳۵۵؛ اونوالا ۱۹۴۰: ۱۹۲). در فرض دوم، که شاید به صواب نزدیک‌تر باشد، می‌توان چنین گمان برد که در پایان سطر هفتم، پس از لغت «دین‌بنده» واژه دیگری هم آمده که آن «فریدون» است. در این صورت، نام کاتب فریدون پسر گوبدشا پسر رستم پسر فریدون پسر گوبدشا پسر رستم پسر بُندار پسر شهمردان پسر دینیار خواهد بود (نک: نمودار ۱)، با علم بر اینکه واژه‌های فریدون، شهمردان و دینیار را، بر طبق شجره نسب شناخته‌شده این خاندان، ما



نمودار ۱. نسب‌نامه خاندان مرزبان



نمودار ۲. نسب‌نامه‌ی خاندان جاماسپ حکیم

خود افزوده‌ایم. با قبول این فرض، می‌توان گفت این فرد همان است که نسخه و ندادیدار دستور روانیان را نوشته است (مزداپور ۱۳۸۸: ۲۴۶). آنچه گمان نام فریدون پسر گوبدشا را تقویت می‌کند یادگارنوشتِ سومی است که با خطی متفاوت، در پشتِ آخرین برگِ نسخه، آمده است: «این نسخه را من دین‌بنده جاماسپ پسر حکیم پسر اردشیر، از دفتر فریدون پسر گوبدشا پسر رستم پسر فریدون، نوشتم». با قبول فرض دوم مبنی بر اینکه فریدون پسر گوبدشا کاتب بخش دوم نسخه است، می‌توان گفت که وی با شه‌مردان پسر بهرام، کاتب بخش اول نسخه، هم‌عصر و هم‌زمان بوده است. نکته‌ی املائی قابل ذکر در اینجا آن است که در نگارش نام گوبدشا، همه‌جا لفظِ شا آمده است و نه شاه. مگر آنکه حرف «آ» بعد از «ش» را «ه» بخوانیم که، در آن صورت، گوبدشه خوانده شده و شاید، در گذر ایام، مصوت کوتاه «آ» به مصوت بلند «آ» بدل شده و می‌توان گوبدشاه خواند.

تاریخ اتمام قسمت آخر نسخه بر مبنای یادگارنوشتِ دوم، آذرروز (روز نهم) از

آذرماه سال ۱۰۲۵ یزدگردی است (برگ ۲۶۷، روی برگ، س ۳ و ۴). در اینجا نیز اصطلاح «پس از بیست یزدگرد» بلافاصله بعد از عدد ۱۰۲۵ به کار رفته است که، با توجه به نکاتی که پیش از این در مورد تاریخ یزدگردی و مَجوسی و تفاوت میان این دو، ذکر شد، می‌توان گفت که این تاریخ بر مبنای سال‌شمار یزدگردی با مبدأ جلوس یزدگرد، آخرین پادشاه ساسانی، است.

با دقت در تاریخ اتمام این قسمت از کتاب، درمی‌یابیم که دومین کاتب، پس از حدود پنج ماه از اتمام نگارش قسمت اول نسخه، نوشتن کتاب را به پایان رسانده است. اگرچه این مدت زمانی کاملاً منطقی است، اما سؤال این است که چه شده که شهردان پسر بهرام، خود، این کتاب را به سرانجام نرسانده است و چگونه بخش نخست به دست یکی از عموزادگانش رسیده و او به تکمیل آن همت گماشته است؟ ابهام دیگر در تاریخ اتمام نگارش این بخش از نسخه توسط فریدون پسر گویدشا، در مقایسه با تاریخ نسخه وندیداد دستور روانیان، است که همو در ۱۰۰۱ یزدگردی آن را نگاشته است. اختلاف زمانی نگارش این دو نسخه که ۲۴ سال است می‌تواند قدری تأمل برانگیز باشد.

یادگارنوشت دوم علاوه بر اطلاعات ارزشمند درباره نام کاتب و تاریخ اتمام نصف باقی‌مانده کتاب (برگ ۲۶۷، پشت برگ، س ۹)، آگاهی‌های دیگری نیز دارد که، با تأسف فراوان، مَرمت‌های این برگ مانع از دریافت آنها شده است. در سطر نهم این صفحه، کاتب ذکر کرده که «این نصف کتاب جُددیوداد» را از دفتر چه کسی رونویسی کرده، اما شوربختانه، به دلیل صحافی برگه، نام وی از بین رفته است. این نام یکی از آن حلقه‌های مفقوده برای شناسایی کامل این نسخه است. در سطر دهم، نویسنده از فردی به نام فریدون نام می‌برد که ظاهراً این نسخه «از بهر گیتی» وی نوشته شده است. آیا فریدون همان کسی است که کاتب از روی پچین دفتر وی، نیمه دوم این نسخه را نگاشته است؟ نویسنده، در سطور بعد، از تمام دستوران و دستورزادگانی که این پچین را می‌خوانند و یا می‌آموزند و یا بدان یزشن کرده و یا آن را بازنویسی می‌کنند می‌خواهد که روان فریدون پسر بهرام پسر شهریار را یاد کنند (برگ ۲۶۷، پشت برگ، س ۱۲-۱۴). آیا این همان فریدون است که نامش در سطر دهم آمده است؟ آیا کاتب این

نسخه را به فرموداری وی نوشته است؟ یا آنکه، از بهر نامگانه وی و برای خداایامرزی‌اش، دستور نگارش نسخه داده شده است؟ در ادامه این یادگارنوشت مهم، کاتب از همه کسانی که از این نسخه، به هرطریقی، استفاده می‌کنند تقاضا کرده است که از وی به نیک‌نامی یاد کنند (برگ ۲۶۷، پشت برگ، س ۱۵-۱۸) و تأکید می‌کند هرکس قصد خرید یا فروش این دفتر جُددیوداد را، که وقف است، داشته باشد و یا نام نویسنده (نوشتار) را از آن بزداید و پاک کند، از او، به نزد دادارِ دادور اورمزد شاکوی همیمال خواهد بود (برگ ۲۶۷، پشت برگ، س ۱۹ و ۲۰؛ روی برگ، س ۱ و ۲).

به نظر می‌رسد که این نسخه نوعی وقف بوده است (برگ ۲۶۷، پشت برگ، س ۱۹)، اما بر چه کسانی و توسط چه کسی، نمی‌دانیم. شاید پاسخ سؤال ما در میان واژه‌هایی باشد که دستِ تطاول روزگار آنها را از ما گرفته و در زیر کاغذِ مرمت برای همیشه پنهان کرده است. سبکِ نوشتاری این فرجامه نیز از همان الگوی همیشگی پیروی کرده است. عبارات اوستایی و ترجمه آنها به خط و زبان پهلوی به همان سیاق فرجامه نخست صورت گرفته است. در پایان این یادگارنوشت، به خط و زبان فارسی و پهلوی، این شعر آمده است:

هرکه ما را کند به نیکی یاد / نام او سربه‌سر به نیکی باد

جالب آنکه در نگارش واژه «نیکی»، در متن پهلوی این شعر، کلمه «نیک» به پهلوی و «ی» اسم معنی‌ساز به خط فارسی آمده است که می‌توان به نفوذ خط و زبان فارسی و رسم‌الخط آن در نگارش خط پهلوی پی برد. این مسئله در پشت همین برگ دوباره تکرار شده است (پشت برگ ۲۶۷، حاشیه سمت راست).

در پشت برگ ۲۶۷، که در واقع آخرین برگ نسخه است، پس از یادآوری تاریخ درگذشت تعدادی از بهدینان میان سال‌های ۱۰۶۱ تا ۱۰۷۸ یزدگردی، یادگارنوشتِ سوّم به خط و زبان فارسی آمده است (نک: تصویر ۴) که، اگرچه به لحاظ شیوه نگارشی و زیبایی خط و، از منظر نظم سطور، وسواسی در آن به کار نرفته و سلیقه و زیبایی در آن لحاظ نشده، محتوای آن حاوی مطالب ارزشمندی است که برخی از مسائل را بر ما روشن می‌سازد. کاتب، به شیوه معمول تمامی فرجامه‌ها، اتمام نسخه را، با درود و شادی و فرخی و رامش، اعلام کرده و خود را جاماسپ پسر حکیم پسر



تصویر ۴. برگی از نسخه که سومین فرجامه در آن آمده است

اردشیر معرفی و سپس اذعان کرده است که این نسخه را از دفتر فریدون پسر گوئدشاه پسر رستم پسر فریدون پسر رستم نوشته است. و، در پایان، از همه کسانی که این کتاب دینی را می‌خوانند یا می‌آموزند یا از آن رونویسی کرده و یا بدان یزشن می‌کنند خواسته است که از وی به نامی نیک یاد کنند.

هرچند این فرجامه تاریخ نگارش ندارد، به کمک نام کتاب و شناسایی وی، شاید بتوان حدود زمانی آن را دریافت. نام کامل نویسنده جاماسپ پسر حکیم پسر اردشیر پسر انوشیروان پسر زراتشت پسر جاماسپ پسر شاپور پسر بخت‌آفرین پسر شهریار است (نک: نمودار ۲). وی همان نویسنده‌ای است که، در تاریخ ۱۰۹۱ یزدگردی (۱۱۳۵ ق / ۱۱۰۱ ش / ۱۷۲۲ م)، نسخه دینی *اوستای درون‌فره وهرام‌یشت* را در پاسخ به نیاز بهدینان و دستوران هند نوشت و خود، برای دیدار آنان به‌خصوص ملاقات با موبد رستم جیو پسر موبد مانک جیو، به هندوستان سفر کرد تا شخصاً کتاب مورد نظر را

به همراه هوم و ورسی که بهدینان هند تقاضا کرده بودند به آنان بدهد (شهمردان ۱۳۶۳: ۴۲۸-۴۳۱؛ اونوالا ۱۹۴۰: ۵۶-۶۷)¹.

جاماسپ حکیم، که به دستور جاماسپ ولایتی معروف بود، در سفرش به هند، به آموزش تعدادی از موبدان همچون دستور فریدون پسر دستور کامدین، دستور جاماسپ جاماسپ‌آسا و دستور داراب پور هیربد کومانا دارا دارو پرداخت. نقش و تأثیر این آموزش‌ها زمانی روشن می‌شود که بدانیم دستور داراب پور هیربد همانی است که بعدها معلم آنکتیل دوپرون² در آموختن خط و زبان اوستایی شد (شهمردان ۱۳۶۳: ۴۲۸-۴۲۹؛ مزدپور ۱۳۸۲: ۷۲-۷۳). خاندان جاماسپ را از طریق یادگارنوشت‌هایی که در پایان نُسخ دینی و پاسخ به نامه‌های بهدینان از خود برجای گذاشته‌اند می‌شناسیم. این خانواده بزرگ از جمله خاندان‌های موبدان سرشناسی هستند که در یزد سکونت داشتند و تا هشت پُشت آنها همه دستور و موبد بودند. آنان، همچون دیگر خانواده‌های زرتشتی که وظیفه خطر خود را حفظ و پاسداشتِ موارث دینی و نگهداری از متون مقدس مذهبی می‌دانستند، در کار نگارش و استنساخ نُسخ دینی بودند. با بهدینان و دستوران دینی مقیم هند، در ارتباط بودند و در پاسخ به سؤالات فقهی و برآوردن نیازهای دینی آنان، از طریق نگارش و ارسال نُسخ دینی، از هیچ تلاشی فروگذار نکردند و گاه برخی از آنان همچون جاماسپ سفرهایی نیز به هندوستان داشتند. از جمله آنان می‌توان به دستور شاپور پسر جاماسپ پسر شهریار پسر بخت‌آفرین پسر شهریار اشاره کرد که از عموزادگان بزرگ جاماسپ بوده و نامش هم، در پایان برخی از متون دینی دیده می‌شود و هم، در مقام عالم دینی، پاسخگوی سؤالات فقهی هم‌کیشان خود در هند بوده است (اونوالا ۱۹۴۰: ۳۷۲، ۳۸۲، ۳۸۸). همچنین می‌توان به هوشنگ پسر سیاوخش پسر شهریار پسر بخت‌آفرین پسر شهریار که از دیگر عموزادگان کاتب مورد نظر ماست اشاره کرد (مزدپور ۱۳۸۲: ۶۹-۷۰؛ مزدپور ۱۳۷۵: ۷۱-۷۲؛ اونوالا ۱۹۴۰: ۳۷۱). نکته قابل‌توجه آنکه نام جاماسپ در

(۱) ورس رشته‌ای از موی بافته گاو است که برای بستن شاخه‌های برسم از آن استفاده می‌شود و از جمله لوازم آتشگاه است (اوشیدری ۱۳۷۱: ۴۶۸؛ بويس ۱۳۸۴: ۲۰۷).

2) A. H. ANQUEIL-DUPERRON

حواشی چند برگ این نسخه آمده است. در حاشیه برگ ۱۱۳ کتاب، پشت برگ، یادداشتی به خط اوستایی و البته نازیبا چنین نگاشته شده است: «من دین‌بنده جاماسپ دستور [حکیم]» و نیز در پایین روی برگ ۲۶۷ به خط فارسی چنین نوشته شده است: «ناخوانا] جاماسپ دستور حکیم».

با توجه به حدود زمانی زندگی جاماسپ پسر دستور حکیم و نیز تاریخ‌های مربوط به فوت بهدینانی که در شروع این صفحه قید شده است، می‌توان تاریخ نگارش این یادگاری‌نوشته را سال‌های پایانی سلسله صفویه و مقارن با حمله افغانه به ایران حدس زد. از طرفی، کاتب نام کسی را که از دفتر وی این نسخه را نوشته ذکر کرده است، که در تأیید این گمان که نام کاتب دومین یادگاری‌نوشته در پایین روی برگ ۲۶۷ باید فریدون پسر گویدشا باشد کمک زیادی می‌کند.

نکته دیگر این یادگاری‌نوشته آن است که در نگارش نام گویدشا بخش دوم نام که شاه است را به صورت هزوارشی ملکا آورده است که معادل واژه پهلوی شاه است و این شاید تأییدی بر نام گویدشاه باشد و نه گویدشا.

در پایان این فرجامه، شعری به خط و زبان فارسی نوشته شده و سپس کاتب خود را «بنده کمترین، رستم [جهش‌ن؟] بهرام‌شاه» نامیده است.

پرستیدن دادگر پیشه کن به روز گزر [گذر] کردن اندیشه کن

در حاشیه سمت راست این صفحه نیز همان مضمون دعایی درباره نام نیک، به خط و زبان پهلوی، آمده است.

حواشی نسخه

معمولاً نسخ دینی و کتب مذهبی به‌عنوان دستورالعمل و راهنمای اجرای مناسک و آیین‌های مذهبی، از گذشته‌های دور تا به امروز، در تمامی مراسم دینی مورد استفاده قرار می‌گرفت و تلاوت می‌شد. این کتب که از تقدس فراوانی برخوردارند، همواره توسط اعضای خانواده، با وسواس فراوانی، حفظ و نگهداری می‌شوند و از پدر به پسر می‌رسند و گاه، در جشن نوزوتی، به نوموبدان هدیه داده می‌شوند. در حواشی این کتب دست‌نویس مذهبی، اغلب صاحبان نسخه یادداشت‌هایی در قالب نظم یا نثر و عموماً به

خط و زبان فارسی از خود برجای می‌گذارند که یادآور روزهای تلخ و شیرین گذشته است؛ همچون دلتنگی از روزگار، فراق دوستان و عزیزان در گذشته، خاطره شیرین تولد فرزندی، یا یادآوری نیاکان با عبارت «خدایامرزی». همچنین سهوالقلم‌هایی که توسط کاتب، در هنگام نوشتن متن دینی، با جا انداختن واژه یا عبارتی رُخ می‌دهد، توسط دیگران آن نقیصه روشن و در حاشیه همان بند و فقره آورده می‌شود.

حاشیه‌نویسی‌ها در نسخه مورد نظر ما، در قیاس با نُسخ دینی دیگر، کمتر است. خوشبختانه میزان جافتادگی واژه‌ها و عبارات‌های اصلی متن بسیار اندک است و همه آنها نیز توسط کاتب دیگری، که احتمالاً یکی از صاحبان نسخه بوده، به متن افزوده شده است. اما حواشی دیگر اعم از اشعار یا تاریخ فوت درگذشتگان نیز، در آن، به چشم می‌خورد. این حواشی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: اشعار، ادعیه، تاریخ فوت درگذشتگان، و برخی مطالب دیگر. لازم به ذکر است اغلب این حواشی در پایان یادگارنوشت اول آمده است و، در اوراق دیگر، حاشیه‌نویسی بسیار کم دیده می‌شود. گاه این یادداشت‌ها کمک می‌کند برخی از افراد و خاندان‌هایی را که این نسخه در اختیارشان بوده است بشناسیم. از جمله این خاندان‌ها، می‌توان به خانواده موبد بهمن پسر موبد بهرام پسر موبد سروش اشاره کرد. هم از موبد بهمن و هم از پدرش یادداشت‌هایی در حواشی این کتاب آمده است؛ به عنوان مثال، در شروع هر فرگرد این نسخه، خلاصه‌ای از موضوع و محتوای آن، به شکل بسیار خلاصه و به خط فارسی، توسط موبد بهمن نوشته شده است (برگ ۱۴۵، روی برگ، س ۵؛ برگ ۱۷۲، پشت برگ، س ۲۰)، که به چند مورد می‌توان اشاره کرد:

فرگرد ۲: که کدام شخص است که دین قبول نمی‌کند (برگ ۵۷، روی برگ)

فرگرد ۶: گفت‌وگوی آب و باد که کدام پاک است و کدام ناپاک (برگ ۹۱، پشت برگ)

فرگرد ۹: پرسید زراتشت که مرد اشو چه نوع پاک می‌شود (برگ ۱۴۵، روی برگ)

فرگرد ۱۵: گفت‌وگو که تن آدم چه نوع پاک می‌شود. پنج چیز زن را پاک می‌کند: اول ارمیشت،

دویم حیض، سیوم چله. زن از خورشن پاک می‌شود، مُردار از یزشن پاک می‌شود (برگ ۱۹۵، روی برگ)

فرگرد ۱۶: گفت‌وگو که دختر نُه‌ساله نامزد، دوازده‌ساله خانه شوهر (برگ ۲۰۱، روی برگ)

در برگ دیگر، موبد بهمن می‌نویسد که این نسخه در مراسم نوزوتی به وی نثار شده است:

این کتاب از مال خاصّ خالصّ موبد بهمن پسر موبد بهرام می‌باشد نثار نوزادی حقیر نمودند. هرکس طمع کند به لعنت خدا گرفتار باد؛ هرکس خدایبامرزی بدهد خداوند بر هفتاد پشتش بیامرزاد (برگ ۱۸۹، روی برگ).

آیین نوزوتی یا نونابری مراسمی است که، در میان پارسیان هند، عموماً به مراسم برگزاری جشن بلوغ کودکان اطلاق می‌شود و، در ایران، به مراسمی گفته می‌شود که در آن فردی به مقام موبدی می‌رسد (اوشیدری ۱۳۷۱: ۴۵۶؛ بويس ۱۳۸۴: ۲۰۷). همچنین در جای دیگری درباره مالکیت کتاب چنین می‌نویسد:

هو به‌نام خدا این کتاب را از مال حقیر می‌باشد لطف کن بر من [خدای سیارگان؟] باب من بهرام [موبد؟] بهمن، بدان بابِ بایم گر ندانی ای [کس] چون سروش است نام او را یادگیر خدایبامرزی بدهید. هرکه ما را کند به نیکی یاد نام او در جهان به نیکی باد (برگ ۱۴۲، روی برگ).

اشعاری نیز از وی و پدرش در یادداشت‌ها آمده که، هرچند گاه بسیار ساده، سست و بی‌مایه است و ارزش ادبی چندانی ندارد، در درک و دریافتِ اوضاعِ آن روزگار می‌تواند ارزنده باشد؛ مثلاً

چه طالع دارم این کز آسمان هر کاروانِ غم که آید بر زمین جز در دلِ من بار نگشاید

و

شب که شد از غمِ هجرانِ تو می‌پندارم هفت غربالِ فلک بر سرم آتش [پرست؟]

و

اغیار به روز ما کار حیرانی خوشحال شد از بی‌سر و سامانی
غم نیست اگرچه ما پریشان گشتیم جمععی شادند از پریشانی

و

یک قطره خون دست و باقی همه غم ساقی آلم و نُقل بلا باده ستم
در خانه ما متاع حسرت کم نیست غم بر سر هم ریخته عالم عالمیست

کاتبِ کمترین، دستور بهرام سنه ۱۲۳۹ یزدگردی (برگ ۱۴۲، روی برگ)

و باز هم از موبد بهرام پسر موبد سروش:

پشتِ دفتر ز بهرِ آن باشد هر کس [بذر؟] و نشان باشد
یادگاری ز بهرِ دوست بهتر از مُلکِ جاودان باشد

بنده کمترین، موبد بهرام موبد سروش (برگ ۸۱، روی برگ)

از دیگر نام‌هایی که، در این یادداشت‌ها، از خود خبری برجای گذاشته و از خوانندگان خواسته که به روان آنها «خدایامرزی» داده شود دستور اورمزدیار پسر دستور بهرام است (برگ ۱۴۲، پشت برگ).

از پرنوشت‌های جالب دیگر، می‌توان به هزینه‌های مراسم نوزوتی تعدادی از موبدان (برگ ۱۴۲، روی برگ)، خرج وندیدادخوانی (برگ ۲۴۰، پشت برگ)، دیدن آسمان در خواب (برگ ۱۴۳، پشت برگ)، و گله‌مندی از سختی روزگار (همان‌جا) اشاره کرد. خبر درگذشت بهدینانی که احتمالاً از بستگان و خویشان صاحب این نسخه بوده‌اند نیز از یادداشت‌های مهم این نسخه است:

وفات یافتن روان بهشتی دستور سروش جنت [مکان؟] دستور مهربان، یوم دی‌به‌مهر دی‌ماه قدیم سنه ۱۲۴۲ (برگ ۷۲، روی برگ)
وفات یافتن دستور مهربان دستور رستم، اردایزد اسفندماه قدیم سنه ۱۲۴۲ (برگ ۷۹، روی برگ)

تاریخ وفات دستور سروش دستور مهربان، یوم دی‌به‌مهر (برگ ۱۴۰، روی برگ)
وفات دستور موبد شاه رستم فریدون برزین، روز آبان اسفندماه قدیم سنه [؟] (برگ ۱۴۲، پشت برگ)

وفات اشو روان دستور فریدون رستم فریدون برزین، روز دی‌به‌آذر آبان‌ماه قدیم سنه ۱۱۳۴ (همان‌جا)

وفات فرنگیس دستور منوچهر بهرام برزین، روز مهرایزد بهمن‌ماه قدیم سنه [؟] یزدجریه (همان‌جا)

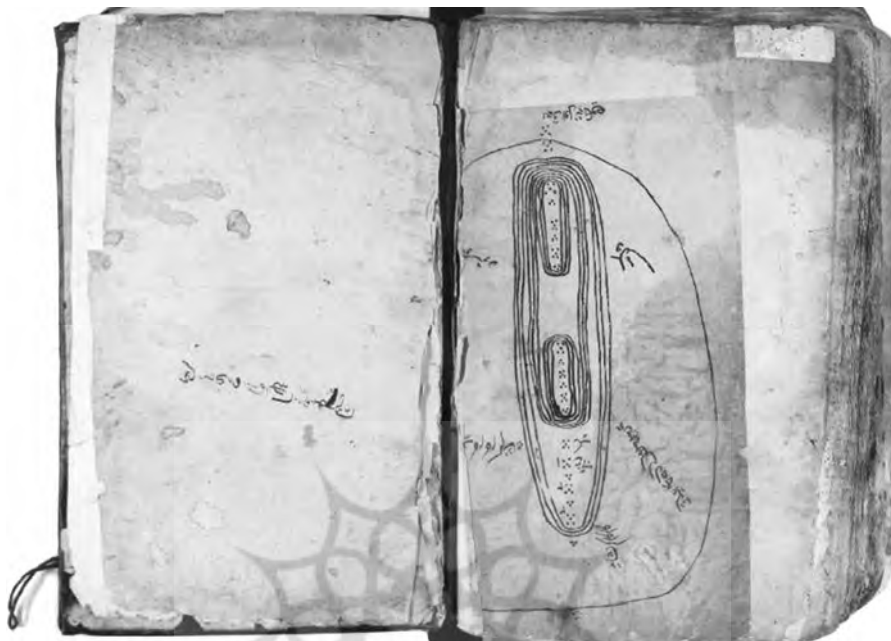
تاریخ وفات روان گروتمانی کاتب این دفتر جُددیواد دستور اسفندیار بخت‌آفرین (همان‌جا)

تاریخ مرحومه لعل خدامراد فولاد، اورمزد فروردین ماه ۱۲۸۹ (همان‌جا)
تاریخ مرحومه شیرین خدامراد فولاد، باد ایزد تیر ماه ۱۲۸۹ یزدگردی (همان‌جا)
تاریخ وفات مرحوم جمشید موید رستم جمشید، استادایزد خرداد ماه ۱۲۷۴ یزدگردی
طهران (همان‌جا)

آنچه از شیوه نگارش این پرنوشت‌ها به چشم می‌آید بیانگر آن است که کاتبان این یادداشت‌ها غالباً از سواد و دانش فارسی‌نویسی چندانی بهره نداشته‌اند. کاربرد واژه‌های پهلوی، وجود غلط‌های املائی و نیز آوردن اشعاری سست و گاه بی‌مایه نشان از دور بودن نویسندگان آنها از فضای آموزشی و مدرسی آن دوران بوده است. برخی از غلط‌های املائی نظیر طن به جای تن (برگ ۱۵۵، روی برگ، س ۲۱)، خاهر به جای خواهر (برگ ۱۷۲، پشت برگ، س ۲۰)، کیامرت به جای کیومرث (برگ ۲۲۶، روی برگ، س ۲) را می‌توان نام برد. از جمله تصاویری که در این نسخه آمده است، می‌توان به تصویر یزشن‌گاه در میانه ویسپرد ۳، که جایگاه و نحوه ایستادن هشت یزشنگر هنگام برگزاری آیین یزشن را نشان می‌دهد (برگ ۲۸، پشت برگ؛ نک: تصویر ۵) اشاره کرد و دیگری در آخرین برگ



تصویر ۵. برگی از نسخه که نقش یزشن‌گاه در آن آمده است



تصویر ۶. برگی از نسخه که تصویر برش‌نوم‌گاه در آن آمده است

نسخه، پیش از جلد، که تصویر برش‌نوم‌گاه و محل قرار گرفتن افراد و اشیاء لازم برای اجرای مراسم تطهیر نُشوَه (نُه‌شبهه) است (نک: تصویر ۶). تطهیر نُشوَه همان مراسم غسل و پاکیزگی است که به مدت نُه شب انجام می‌شود و افرادی که، بنا به دلایلی، ناپاک شده‌اند این مراسم طولانی و مفصل را با کمک موبدی در برش‌نوم‌گاه انجام می‌دهند. برش‌نوم‌گاه فضایی با نُه گودال است که با دوازده شیار از سایر قسمت‌ها جدا شده و شخص ناپاک، با گذر از این گودال‌ها، در حالی که موبد آیاتی از اوستا را می‌خواند، به دست او، با مخلوط گومیز و شن و آب تطهیر می‌شود. پس از گذر از گودال آخر، فرد کاملاً تطهیر شده و با آب پاک سر و تن می‌شوید و لباس سفیدی بر تن می‌کند (دوستخواه ۱۳۷۰: ۲ / ۷۷۱-۷۷۶؛ مزداپور ۱۳۶۹: ۵۲-۵۴؛ بویس ۱۳۸۴: ۷۲؛ کرباسیان ۱۳۸۶: ۸۸-۹۱؛ قلی‌زاده ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۲۸).

این نسخه از جمله نُسخ وندیداد ساده‌ای است که از مجموعه متون دینی

دست‌نویس خاندان مرزبان باقی مانده است و می‌تواند آگاهی ما را از این خاندان و شیوه نگارش و آداب برگزاری مراسم یزشن افزون کند؛ همچنین شاید، به کمک آن، بتوان نشانی از نسخه اصل و مادر را که این دست‌نوشته‌ها از آن رونویسی شده‌اند پیدا کرد.

منابع

- آموزگار، ژاله، ۱۳۸۶، «ادبیات زرتشتی به زبان فارسی»، *زبان، فرهنگ، اسطوره*، تهران، ص ۹۷-۱۲۰.
- اوشیدری، جهانگیر، ۱۳۷۱، *دانشنامه مزدیسنا*، تهران.
- برومند امین، بهرام، ۱۳۸۶، «کاتبان نسخه‌های پهلوی و اوستایی از خاندان مرزبان»، *نامه بهارستان*، س ۶، ش ۱ و ۲، ص ۳۵۵-۳۶۴.
- بویس، مری، ۱۳۸۴، *زرتشتیان: باورها و آداب دینی آن‌ها*، ترجمه عسکر بهرامی، تهران.
- بهار، مهرداد، ۱۳۸۰، *بندهش*، تهران.
- بیرونی، ابوریحان، *آثارالباقیه*، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران، ۱۳۶۳.
- _____، *التفهیم لاوائل صناعة التنجیم*، به تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، ۱۳۶۲.
- پورداود، ابراهیم، ۱۳۸۰، *یسنّا*، ج ۲، تهران.
- تفضلی، احمد، ۱۳۷۶، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران.
- تقی‌زاده، حسن، ۱۳۸۱، *بیست مقاله*، ترجمه احمد آرام و کیکائوس جهانداری، تهران.
- جهان‌پور، فاطمه، ۱۳۸۷، «*وندی‌داد آستان قدس*»، *نامه بهارستان*، س ۸ و ۹، دفتر ۱۳ و ۱۴، ص ۳۸۹-۴۰۰.
- _____، ۱۳۸۹، *وندی‌داد آستان قدس*، تهران.
- دوستخواه، جلیل، ۱۳۷۰، *اوستا (کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی)*، ج ۲، تهران.
- راشدمحصل، محمدتقی، ۱۳۸۵، *الف، زند بهمن یسن*، تهران.
- راشدمحصل، محمدتقی، ۱۳۸۵، *ب، وزیدگی‌های زادسپرم*، تهران.
- رضازاده ملک، رحیم، ۱۳۸۵، «*مزدکنامه*»، *نامه انجمن*، ضمیمه شماره ۴.
- شهمردان، رشید، ۱۳۶۳، *تاریخ زرتشتیان: فرزندگان زرتشتی*، تهران.
- عبداللهی، رضا، ۱۳۶۶، *تاریخ تاریخ در ایران*، تهران.
- قلی‌زاده، خسرو، ۱۳۸۷، *فرهنگ اساطیر ایرانی*، تهران.
- قمی، حسن بن محمد بن حسن، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن علی عبدالملک قمی، به تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، ۱۳۶۱.
- کرباسیان، ملیحه، ۱۳۸۶، «*نامه سوم منوچهر به بهدینان*»، *در خرابات مغان (جستارهایی در فرهنگ ایران)*، تهران، ص ۸۷-۱۱۵.
- ماهیار نوابی، یحیی و دیگران، ۱۳۵۷، *دست‌نویس ت‌د ۲ (بندهش ایرانی و روایات امید اشاووهیشتان و جز آن)*، بخش نخست: گنجینه دست‌نویس‌های پهلوی و پژوهش‌های ایرانی، ش ۵۴، شیراز.

- مزداپور، کنایون، ۱۳۶۹، *شایسته ناشایست*، تهران.
- _____. ۱۳۷۵، «سرآغاز یزشن»، فرهنگ (ویژه زبان‌شناسی)، س ۹، ش ۱، ص ۷۱-۸۳.
- _____. ۱۳۷۸، *داستان گرشاسب، تهمورس و جمشید، گلشاه و متن‌های دیگر*، تهران.
- _____. ۱۳۸۲، *زرتشتیان*، تهران.
- _____. ۱۳۸۷ الف، «چند دست‌نویس نویافته اوستایی»، *نامه ایران باستان*، س ۸، ش ۱ و ۲، ص ۳-۱۹.
- _____. ۱۳۸۷ ب، «یادداشت درباره *وندیاد* فریدون مرزبان»، *نامه بهارستان*، س ۸ و ۹، دفتر ۱۳ و ۱۴، ص ۵۲۷-۵۲۸.
- _____. زیر چاپ، *وندیاد دانشگاه تهران*.
- _____. ۱۳۸۸، «*وندیاد* دستور روانیان»، *نامه بهارستان*، س ۱۰، دفتر ۱۵، ص ۲۴۵-۲۵۲.
- _____. ۱۳۸۹، *یسنه و ویسپرد (کتابخانه سروشیان)*، تهران.
- مزداپور، کنایون و دلوند، حمیدرضا، ۱۳۹۰، «*وندیاد* ساده: دستنویس اوستایی کتابخانه ملی ملک تهران»، *زبان‌شناخت*، س ۲، ش ۲، ص ۳۹-۵۸.
- مکنزی، دن، ۱۳۷۳، *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران.
- موبد نامدار این دستور شهریار و موبد رستم ابن موبد خسرو مهربان، ۱۸۹۳ م/ ۱۲۶۲ یزدگردی / ۱۳۱۰ ق، *زند یشت و وسفرد و یشت رفتون مع آداب نیرنگ دینی*، بمبئی.
- مولایی، چنگیز، ۱۳۸۲، *فروردین‌یشت*، تبریز.
- میرفخرایی، مهشید، ۱۳۹۰، *روایت پهلوی*، تهران.
- نبئی، ابوالفضل، ۱۳۶۶، *تقویم و تقویم نگاری در تاریخ*، مشهد.

Unvala, E. M. R. (ed.), 1922, *Dârâb Hormazyâr's Rivâyat*, 2 vols., Bombay.

_____, 1940, *Collection of Colophons of Manuscripts Bearing on Zoroastrianism in Some Libraries of Europe*, Bombay.

* نویسنده بر خود لازم می‌داند از محبت‌های دوستان بزرگواری که او را در تهیه این نسخه یاری داده‌اند بسیار سپاسگزاری کند: نخست خانواده محترم حسینی به‌ویژه سرکار خانم مینو حسینی، که اجازه بررسی و عکس‌برداری از نسخه شخصی خود را دادند، و نیز دوستان بسیار عزیز در کتابخانه آستان قدس رضوی آقایان باقر طوسی، ناصری، مجید داوطلب، رضانی و محمد یآوری، که زحمت عکس‌برداری از نسخه را بر عهده داشتند، همچنین جناب آقای ابوالفضل حسینی، کارشناس میراث فرهنگی خراسان رضوی، که زمینه آگاهی از این نسخه را برای نگارنده فراهم نمودند.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی